

تلاش جوانان ایرانی برای معرفی شگفتی‌های سرزمین مادری نگاهی به سه راهنمای میدانی انتشارات ایران شناسی

• حسن سالاری

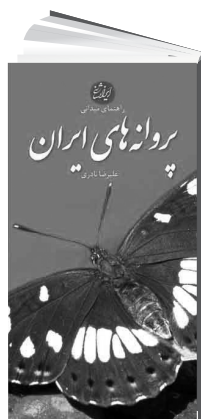
کارشناس ارشد زیست‌شناسی

چکیده

انتشارات ایران شناسی با تولید سه راهنمای میدانی درباره پروانه‌های ایران، خزندگان و دوزیستان ایران و برخی از رایج‌ترین گیاهان ایران، گامی بزرگ در راه معرفی سرمایه‌ها و شگفتی‌های طبیعی ایران برداشته است. این کار بزرگ با همراهی گروهی از پژوهشگران و عکاسان جوان ایرانی به بار نشسته و مورد توجه پژوهشگران خارجی قرار گرفته است. در کتاب راهنمای میدانی پروانه‌های ایران، ۲۰۰ گونه از ۴۰۶ گونه پروانه شناسایی شده در ایران و در راهنمای میدانی خزندگان و دوزیستان ایران، همه گونه‌های ایرانی این دو رده از جانوران معرفی شده است. در کتاب طبیعت‌گردی با گیاهان ایران، ۷۰۰ عکس از گونه‌های بومی و برخی گونه‌های وارداتی گنجانده شده است تا طبیعت‌دوستان ایرانی با آگاهی بیشتر در طبیعت ایران گام بگذارند. بی‌گمان شناساندن گونه‌های جانوری و گیاهی و معرفی زیستگاه‌های جای‌جای ایران به عموم مردم ایران، اثربخش‌ترین راهکار برای حفظ این تنوع زیستی است، زیرا «دانش، درک و نگرانی را با خود می‌آورد». تولید کتاب‌های مرجع درباره جانوران و گیاهان ایران به‌ویژه این سه کتاب راهنمای میدانی را می‌توان گامی بزرگ در همین راستا به‌شمار آورد.

کلیدواژگان

راهنمای میدانی، خزندگان، دوزیستان، پروانه‌ها، طبیعت‌گردی، ایران، ایران شناسی، عکاسی طبیعت



■ عنوان: پروانه‌های ایران، راهنمای میدانی

نویسنده: علیرضا نادری

ویراستار ادبی: ثریا بابایی

مشخصات چاپ: تهران: ایران‌شناسی، چاپ اول ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: جلد شومیز، قطع پالتویی، ۲۷۲ص، رنگی

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۲۵-۸۵-۴

فصلنامه نقدکتاب

عوم محمد
و کارپردازی

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

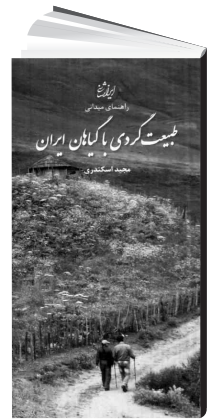
۱۶۸

درآمد

بیش از ۱۸،۰۰۰ گونه پروانه در جهان شناسایی شده که ۴۰۶ گونه از آن‌ها در ایران یافت شده است. سهم بهره‌مندی ایران از این جانوران ظریف و زیبا، ۲/۲۵ درصد کل پروانه‌های جهان است. در نگاه نخست ممکن است این سهم بسیار ناچیز به نظر آید، اما در نظر بگیرید که در سراسر قاره اروپا حدود ۴۵۰ گونه پروانه شناسایی شده است. بنابراین، سهم ایران نیمه‌خشک نزدیک به سهم قاره سبز جهان است. اکنون این حقیقت را هم در نظر بگیرید که هفتاد تا هشتاد گونه از پروانه‌های یافت شده در ایران، بومی انحصاری این سرزمین است، یعنی فقط در ایران یافت می‌شود. جای آن است که بپرسیم ما ایرانیان تا چه اندازه با این میراث طبیعی خود آشناییم و نادانسته چقدر به آن آسیب زده‌ایم.

بیش از ۹۰۰۰ گونه خزنده در جهان زندگی می‌کنند که ۲۲۵ گونه از آن‌ها در ایران یافت می‌شود. با این که سهم ایران از کل خزندگان جهان حدود ۲/۵ درصد است، ایران آمارهایی شگفت‌انگیز درباره خزندگان دارد. برای مثال، از ۱۸۰ گونه «گکو» که در خانواده گکوهای انگشت برگی جای دارند، ۱۰ گونه در ایران یافت می‌شود که ۸ گونه، انحصاری ایران است و ۲ گونه فقط در کشورهای همسایه ایران دیده شده‌اند. این جانوران به دلیل ساختار ویژه کف دست و پای خود می‌توانند از سطحی به صافی شیشه بالا بروند. از ۶ گونه لاک‌پشت دریایی که در دریاها گرم سراسر جهان یافت می‌شوند، ۵ گونه در خلیج فارس و دریای عمان دیده شده که ۲ گونه در ساحل ایران تخم‌گذاری می‌کنند.

تاکنون بیش از ۳۰۰،۰۰۰ گونه گیاه در سراسر جهان شناسایی شده که بیش از ۸،۰۰۰ گونه از آن‌ها بومی ایران است. سهم ایران از کل گونه‌های گیاهی فقط حدود ۲/۶ درصد است، اما در همین سهم به ظاهر ناچیز، ۱،۵۰۰ گونه انحصاری و ۴۰۰ گونه نادر قرار دارد. پس حدود ۱۸ درصد گیاهان ایرانی انحصاری این سرزمین است، یعنی در دیگر جاهای جهان یافت نمی‌شود. اما چقدر درباره گیاهانی که انحصاری



■ عنوان: طبیعت‌گردی با گیاهان ایران، راهنمای میدانی

نویسنده: مجید اسکندری

ویراستار ادبی: مه‌ری تقی‌پور

مشخصات چاپ: تهران: ایران‌شناسی، چاپ اول ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: جلد شومیز، قطع پالتویی، ۳۹۶ ص، رنگی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۴۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۲۵-۹۵-۳

فصلنامه نقدکتاب

عموم مردم
و کار بر روی

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

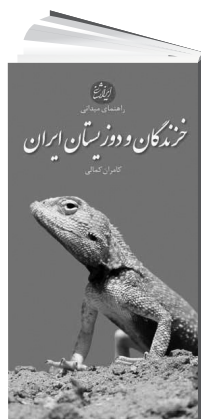
۱۶۹

ایران است پژوهش کرده‌ایم؟ چه مواد ناشناخته‌ای را در آن‌ها شناسایی کرده‌ایم و چه داروهایی را بر پایه آن مواد ساخته‌ایم؟ یا چه کاربرد صنعتی و خوراکی برای آن‌ها پیدا کرده‌ایم؟ باز هم باید پرسید: ما ایرانیان تا چه اندازه با این میراث طبیعی خود آشناییم و نادانسته چقدر به آن آسیب زده‌ایم؟

با در نظر داشتن تنوع زیستی کم‌نظیر ایران که گوشه‌ای از آن را با چند آمار شگفت‌انگیز از دنیای پروانه‌ها، خزندگان و گیاهان ایران بازتاب دادیم، باید پرسیم که ما برای حفظ این تنوع زیستی چه باید بکنیم. بی‌گمان شناساندن گونه‌های جانوری و گیاهی و معرفی زیستگاه‌های جای‌جای ایران به عموم مردم ایران، شاید اثربخش‌ترین راهکار است. همه آگاهان و علاقه‌مندان به ایران باید به هر شیوه‌ای که مهارت دارند، به این کار ارزشمند بپردازند: عکاسان با گرفتن عکس‌های زیبا، روزنامه‌نگاران با نوشتن مقاله‌های هوشیارکننده، نویسندگان ساده‌نویس با نوشتن کتاب‌های خواندنی و مستندسازان با ساخت مستندهای چشم‌نواز. اما پایه همه این کارها، تولید کتاب‌های مرجع درباره جانوران و گیاهان ایران است و کتاب‌های راهنمای میدانی انتشارات ایران‌شناسی را می‌توان گامی بزرگ در همین راستا به‌شمار آورد.

راهنمای میدانی پروانه‌های ایران

کتاب راهنمای میدانی پروانه‌های ایران نوشته علیرضا نادری (متولد ۱۳۵۲)، دانش‌آموخته مهندسی کشاورزی، است. او از سال ۱۳۸۱ سرپرست بخش رده‌بندی «بندپایان» دفتر موزه تاریخ طبیعی و ذخایر ژنتیکی سازمان محیط‌زیست ایران است. نادری بیش از ۴۰۰ گونه پروانه از ایران گردآوری کرده و ۱۶۰۰ گونه پروانه از دیگر جاهای جهان به مجموعه شخصی خود افزوده است. او ۱۴ گونه و زیرگونه ناشناخته را معرفی و به افزوده‌شدن DNA برخی از پروانه‌های ایران به کتابخانه بارکد زندگی (Barcode of Life) کمک کرده است. نادری بخشی از دستاوردهای سه دهه از زندگی پژوهشی خود را با همراهی انتشارات ایران‌شناسی در کتابی تصویری



■ عنوان: خزندگان و دوزیستان ایران، راهنمای میدانی

نویسنده: کامران کمالی

ویراستار ادبی: مه‌ری تقی‌پور

مشخصات چاپ: تهران: ایران‌شناسی، چاپ اول ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: جلد شومیز، قطع پالتویی، ۳۶۸ص، رنگی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۴۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۲۵-۸۹-۲

فصلنامه نقدکتاب

عوم محمد
و کار بردی

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۱۷۰

برای علاقه‌مند به ایران و طبیعت شگفت‌انگیز آن عرضه کرده است. کتاب او شامل عکس‌هایی از ۲۰۰ گونه از پروانه‌های ایران با توصیفی دقیق از هر گونه است. بیشتر عکس‌ها را ایشان در جریان سفرهای خود به جای‌جای ایران فراهم کرده و بخش دیگری از عکس‌ها را از محمدرضا احسانی و چند طبیعت‌دوست دیگر هدیه گرفته است.

راهنمای میدانی (Field Guide) به کتاب دارای تصویر گفته می‌شود که برای شناسایی گیاهان و جانوران و آثار طبیعی می‌توان آن را به‌آسانی به همراه داشت. پیش از این، اصطلاح Field Guide را به صورت «راهنمای صحرایی» ترجمه می‌کردند که برابرنهاد مناسبی نبود، زیرا ممکن است یک راهنمای میدانی درباره گیاهان جنگلی یا دریایی باشد. بر پایه گفت‌وگویی که علیرضا نادری، نویسنده کتاب راهنمای میدانی پروانه‌های ایران با خبرگزاری ایبنا (در ۲۸ مرداد ۱۳۹۱) داشته، به نظر می‌رسد که اصطلاح مناسب‌تر «راهنمای میدانی» نخستین‌بار در کتاب ایشان به کار رفته است. او در توضیح این اصطلاح گفته است: «این اصطلاح برای کتاب‌هایی به کار می‌رود که بتوان در عرصه و محل کار آن را در دست گرفته و از آن استفاده کرد. برخلاف اطلس‌ها که معمولاً بزرگ و سنگین بوده و مناسب مطالعه میدانی نیستند، استفاده از راهنماهای میدانی ساده است». به گفته نادری در ایران تاکنون راهنمایی میدانی درباره حشره‌ها تولید نشده و کتاب راهنمای میدانی پروانه‌های ایران، نخستین اثر در زمینه راهنمای میدانی حشره‌های ایران است.

کتاب راهنمای میدانی پروانه‌های ایران یک بخش مقدماتی با عنوان کلیات و پنج فصل دارد و هر فصل آن به معرفی گونه‌های یکی از خانواده‌های پروانه‌های ایران می‌پردازد. در بخش کلیات این کتاب مطالبی درباره رده‌بندی پروانه‌ها، شکل‌شناسی پروانه‌ها، چرخه زندگی، اکولوژی و رفتار، محل‌های پیدا کردن پروانه‌ها، چگونگی مطالعه پروانه‌ها، تهدیدات و حفاظت از پروانه‌ها، باغ پروانه‌ها و خانه آن‌ها و پروانه‌نگری در ایران آمده است. این مطالب هم آموزنده و پیش‌نیاز مطالب دیگر کتاب

هستند و هم از نکته‌های جالب بهره‌مندند. برای مثال، همچنان که دربارهٔ زیستگاه‌ها و رفتارهای پروانه‌ها می‌خوانیم به این مطلب برخورد می‌کنیم که برخی از آن‌ها بسیار قلمروطلب هستند و با پرواز بر فراز بلندترین نقطهٔ زیستگاه از قلمرو خود محافظت می‌کنند و گاه به جانورانی بزرگ‌تر از خود و حتی انسان یورش می‌برند. اما بخش ضروری کلیات با اندکی کلی‌گویی آغاز می‌شود، چنان‌که اطلاعات آن نه چندان دقیق است که به کار متخصصان بیاید و نه چندان ساده که برای خوانندگان عمومی مناسب باشد. این که در رده‌بندی پروانه‌ها نه تنها به صفات ظاهری بلکه به مراحل مختلف زندگی، شکل ژنیتالیا، شمارش کروموزوم‌ها، توالی رشته‌های DNA و بارکدینگ توجه می‌شود، به کار خوانندگان غیرمتخصص نمی‌آید و اشاره به آن برای متخصصان ضرورت ندارد. بهتر بود که نویسنده به این کلی‌گویی‌ها نمی‌پرداخت و بخش کلیات را چنین آغاز می‌کرد: پروانه‌های از ردهٔ حشره‌ها هستند و این رده به چند راسته تقسیم می‌شود که یکی از آن‌ها پولک‌بالان است. از آن‌جا که نویسنده در این کتاب فقط به پروانه‌ها (Butterfly) پرداخته است، بهتر بود تفاوت آن‌ها با بیدها یا شب‌پره‌ها (Moth) را برای خوانندگان توضیح می‌داد. به‌ویژه که تعداد گونه‌های شب‌پره‌ها بسیار بیشتر از گونه‌های پروانه‌هاست و برخی از آن‌ها شباهت بسیاری به پروانه‌ها دارند.

این کتاب پنج فصل دارد که هر کدام به یکی از پنج خانوادهٔ پروانه‌های ایران اختصاص یافته است. برای هر خانواده یک نماد رنگی در نظر گرفته و صفحه‌های هر فصل را با نواری به همان رنگ از صفحه‌های دیگر فصل‌ها متمایز کرده‌اند. برای مثال، خانوادهٔ Hesperidae به رنگ قهوه‌ای روشن و خانوادهٔ Lycaenidae به رنگ آبی نفتی مشخص شده است. در آغاز هر فصل، مطلبی کوتاه در معرفی خانواده و معرفی زیرخانواده‌های آن آمده است. سپس گونه‌های شاخص هر خانواده معرفی می‌شوند و این معرفی در چارچوبی مشخص انجام می‌شود: نام علمی، پراکنش جهانی، پراکنش در ایران، توصیف دربارهٔ برخی ویژگی‌های ظاهری و رفتاری و معرفی زیستگاه، تصویرهایی از پروانه و کلیدشناسایی شامل طول بال جلو، دورهٔ پرواز، گیاه میزبان، گونهٔ مشابه و وضعیت فراوانی پروانه. بنابراین، به نظر می‌رسد که اطلاعاتی جامع دربارهٔ هر گونه و در مجموع، اطلاعاتی کامل دربارهٔ ۲۰۰ گونه از پروانه‌های ایران در این کتاب آمده است.

تصویرهای کتاب با برچسب‌های (labels) دقیق به ابزاری مناسب برای شناسایی پروانه‌ها تبدیل شده است. برای مثال، در صفحهٔ ۳۳ برای عکس پروانه‌ای با نام علمی *Erynnis marloyi* این برچسب‌ها نوشته شده است: پوشش پولک‌های نقره‌ای، نوار پهن مشکی، نوار نقره‌ای واضح و بال زیرین قهوه‌ای یک‌دست. در صفحهٔ ۱۸۳ برای عکسی از پروانه‌ای با نام علمی *Coenonympha arcania* این برچسب‌ها نوشته شده است: بخش داخلی بال قهوه‌ای-شکلاتی، لکهٔ سفید زیر خال‌های زیر رأسی، نوار

پهن سفید شکسته، لکه‌های چشمی با اندازه‌های متفاوت. هر یک از این برجسبها با خط به یکی از بخش‌های بال این پروانه مرتبط شده‌اند. این برجسبها نه تنها به پژوهشگران برای شناسایی پروانه کمک می‌کند، بلکه به خوانندگان یادآور می‌شود که باید به جانداران با دقت بنگرند تا مشاهده علمی داشته باشد و بتوانند آن‌ها را دقیق توصیف کنند.

به عنوان نمونه‌ای از نگارش آقای نادری، توصیف ایشان از یکی از پروانه‌های انحصاری ایران در این جا می‌آید:

فصلنامه نقدکتاب

علوم مردم
و کاربرد

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۱۷۲

Lycaena lamponides

پراکنش جهانی: ایران

پراکنش در ایران: نواحی حاشیه‌ای بیابان‌های مرکزی کشور از شمال خراسان، استان تهران تا کرمان و سیستان و بلوچستان.

طول بال جلو: ۲۰-۱۶ میلی‌متر

دوره پرواز: اردیبهشت تا مهر در دو نسل

گیاه میزبان: نامعلوم، احتمالاً گونه‌هایی از کلاه میرحسن (*Acantholimon* spp.)

گونه مشابه: *L. lampom*

وضعیت: پروانه‌ای است بسیار کمیاب و تک‌پرواز. و چرای بی‌رویه در روند کاهش جمعیت آن نقش به‌سزایی داشته است.

این پروانه پروازی سریع دارد و معمولاً پس از پروازی کوتاه روی زمین برهنه یا گیاهان نشسته و پس از استراحتی کوتاه، دوباره به پرواز درمی‌آید. زیستگاه آن دامنه‌های تپه‌ای و کوهستانی پوشیده از سنگ‌ریزه و پوشش گیاهی فقیر عمدتاً گونه‌های بالشتکی و خاردار، از ارتفاع ۱۲۰۰ تا ۲۴۰۰ متری است. زودپرواز است و معمولاً زودتر از سایر گونه‌های هم‌جنس خود در زیستگاهش ظاهر می‌شود، گاه در صورت شرایط مساعد، نسل دومی نیز در پاییز ظاهر می‌شود که دارای ظاهری نسبتاً متفاوت و جثه‌ای کوچک‌تر است. پروانه بالغ از شهد گل‌های چوبک (*Acanthophyllum*)، پونه (*Mentha*) و گونه‌هایی از تیره کلم (*Brassicaceae*) تغذیه می‌کند. لارو آن‌ها با مورچه‌ها همزیست است.

در این متن کوتاه دست‌کم سه شگفتی نهفته است. یکم، این که در حاشیه بیابان‌های مرکزی ایران یکی از پروانه‌های انحصاری ایران یافت می‌شود. دوم، این پروانه اگر شرایط مناسب باشد، هر سال دو نسل از خود به جای می‌گذارد، یعنی در

دو فصل سال تخم‌ریزی می‌کند. سوم، لارو این پروانه، یعنی حالت کرمی شکل آن، با مورچه رابطه هم‌زیستی دارد. فقط ای کاش آقای نادری برای خوانندگان توضیح می‌داد که این رابطه هم‌زیستی چگونه است. ای کاش ایشان یک کار دیگر هم انجام می‌دادند و آن نامگذاری فارسی برای پروانه‌های ایران به ویژه گونه‌های انحصاری است. فرض بگیرید بخواهید همین پروانه شگفت‌انگیز را به یکی از دوستان خود معرفی کنید. ممکن است برای بسیاری به خاطر سپردن و به یاد آوردن نام علمی این پروانه *Lycaena lamponides* دشوار باشد؛ چه یک نام فارسی مناسب را آسان‌تر می‌توان به حافظه سپرد.

نامگذاری فارسی برای پروانه‌های ایران، دشواری‌هایی دارد و به گفت‌وگوهایی میان پروانه‌شناسان و شاید کمک استادان زبان فارسی نیاز دارد. با این همه، کاری ضروری است و به ارتباط میان خوانندگان عمومی و دانش پروانه‌شناسی کمک می‌کند. اگر پروانه‌ای با نام علمی *Anthocharis carolinae* فقط در استان گلستان و کمی این‌سوتر یا آن‌سوتر یافت می‌شود، آیا نمی‌توان آن را پروانه گلستانی یا پروانه هیرکانی نامید؟ پروانه‌ای که در فریدون‌شهر کشف شده و نام علمی آن *Polyommatus fereiduna* است را نمی‌توان پروانه فریدونی نامید؟ پروانه‌ای با نام علمی *Erebia iranica* را نمی‌توان ایریبیای ایرانی نامید؟ نمی‌شود پروانه‌ای با نام علمی *Melanargia larissa* را که افزون بر ایران در آسیای صغیر، ارمنستان، آذربایجان و عراق یافت می‌شود، پروانه لاریسا نامید، یعنی به نام منطقه باستانی لاریسا که به نظر می‌رسد نخستین بار در آن‌جا شناسایی شده است؟

برخی کاستی‌های ساختاری

در کتاب راهنمای میدانی پروانه‌های ایران پیش از بخش کلیات چند بخش کوتاه دیگر آمده که در انتخاب عنوان و ترتیب چیدن آن‌ها اندکی کم‌دقتی رخ داده است. پس از صفحه شناسنامه، سخن ناشر آمده و سپس یادداشت مؤلف را می‌خوانیم. نویسنده در یادداشت خود به پیشینه نوشتن کتاب درباره پروانه‌ها اشاره کرده و برخی از ویژگی‌های کتاب خود را برشمرده است. پس از یادداشت مؤلف، مطلبی ذیل عنوان «مقدمه» از وازریک نظری و چند جمله از سه پژوهشگر خارجی در معرفی نویسنده کتاب و ویژگی‌های اثر او آمده است. این مطالب که *Foreword* کتاب به‌شمار می‌آیند، باید پیش از سخن نویسنده (*Preface*) بیایند. هدف از نوشتن *Foreword* این است که اثر نویسنده را مهم و ارزشمند جلوه دهند.

برابرنهاد مناسب برای *Foreword* در زبان فارسی می‌تواند درآمد یا دیباچه باشد. درآمد در لغت‌نامه دهخدا چنین تعریف شده است: «ابتدای سخن که در گرفتن مجلس گوینده و جلب توجه حاضران بدو سخت مؤثر است». دیباچه نوعی جامه ایریشمین بوده و «جامه‌ای است نیمچه از دیبای خسروانی مکلل که پوشش خاصه

پادشاهان عجم بودی، آن را بر بالای جامه‌های دیگر پوشیدندی و در هیچ پوشش چندان تکلف نکردندی که در دیباچه، زیرا که آن یکی از علامات پادشاهی است». به همین دلیل شاعران مدح شخصیت‌های نامدار را در آغاز دیوان خود می‌گذاشتند تا زینت و اعتبار کتابشان باشد، چنان‌که سعدی گوید: «علی‌الخصوص که دیباچه همایونش، به نام سعد ابوبکر سعد بن زنگی است».

پس از بخش درآمد به فهرست کتاب می‌رسیم و پس از فهرست با مطلبی دیگر ذیل عنوان «پیش‌گفتار» روبه‌رو می‌شویم. در این جا می‌خوانیم که تاکنون چند گونه پروانه در جهان و ایران شناسایی شده است و چه ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی باعث شده که کشور ایران از تنوع زیستی چشمگیری در زمینه پروانه‌ها برخوردار باشد. این مطالب را نمی‌توان ذیل عنوان پیش‌گفتار به مثابه برابرنهاد Preface مطرح کرد. در پیش‌گفتار که همان سخن مؤلف است، نویسنده می‌تواند درباره پیشینه تولید کتاب‌هایی در همان موضوع کتاب خود بنویسد و بگوید که کتابش چه ویژگی‌هایی دارد. او می‌تواند بنویسد که محتوای کتاب به چه شیوه‌ای فراهم شده و هنگام خواندن کتاب به چه چیزهایی باید بیشتر دقت کرد. بر پایه محتوای بخش کلیات که پیش‌تر آن را مرور کردیم، می‌توانیم بگوییم که این بخش در واقع مقدمه کتاب است. پس بهتر بود که نویسنده مطالبی را که درباره پروانه‌ها ذیل عنوان پیش‌گفتار آورده است در دل همین بخش جای می‌داد. اکنون یک سخن مؤلف پیش از فهرست مطالب و سخن دیگر او ذیل عنوان پیش‌گفتار پس از فهرست مطالب آمده است، اما مطالب این «پیش‌گفتار» به محتوای مقدمه کتاب نزدیک‌تر است تا سخن مؤلف. به‌طور خلاصه، نویسنده باید در مقدمه کتاب (Introduction) به مطالبی درباره موضوع کتاب بپردازد که پیش‌نیاز خواندن دیگر مطالب کتاب است. حال آن‌که پیش‌گفتار (Preface) مطالبی درباره کتاب است.

دیگر کاستی‌های ساختاری کتاب را در بخش‌های پایانی کتاب می‌توان دید که برجسته‌ترین آن‌ها نبود بخشی به نام کتاب‌نامه است. در این‌که بیشتر اطلاعات این کتاب دستاورد سال‌ها تجربه نویسنده در جست‌وجو در طبیعت ایران است شکی نیست اما بی‌گمان ایشان از برخی منابع خارجی و برخی منابع داخلی برای افزایش آگاهی خود بهره برده‌اند. از یادداشت مؤلف می‌دانیم که دکتر وازریک نظری کتاب پروانه‌های ایران را در ۱۳۸۳ منتشر کرده است و از درآمدی که دکتر نظری بر کتاب علیرضا نادری نوشته است می‌دانیم که نویسنده کتاب راهنمای میدانی پروانه‌های ایران، دست‌کم ۱۳ مقاله در مجلات معتبر درباره پروانه‌های ایران منتشر کرده‌اند. اگر کوشش‌های حشره‌شناسان

برای شناسایی برخی از پروانه‌های ایران را هم به یاد بیاوریم، باید گفت که بخش کتاب‌نامه از بخش‌های ضروری این کتاب است که از دید نویسنده و ناشر افتاده است.

نمایه پروانه‌ها و نمایه گیاهان میزبان به دقت تنظیم شده و در پایان کتاب فهرست همه پروانه‌های شناسایی شده در ایران آمده است. این کتاب دو پیوست غیرضروری دارد: یکی با عنوان «نام گیاهان (فارسی-انگلیسی)» و دیگری با عنوان «نام گیاهان (انگلیسی به فارسی)». این دو بخش شاید برای یک کتاب گیاه‌شناسی ضروری باشند، اما در کتاب پروانه‌شناسی که در متن آن نام علمی گیاهان میزبان آمده است، ضرورتی به فهرست نام‌های گیاهان به صورت فارسی-انگلیسی یا انگلیسی-فارسی وجود ندارد. بخش واژه‌نامه کتاب که باید توضیح اصطلاحات به کار رفته در کتاب باشد، گاه به فرهنگ دوزبانه شباعت پیدا می‌کند. برای مثال، بخشی از آن‌ها در این جا می‌آید. بال: Wing، پا: Leg، تخم Egg، سر: Head، گشت‌زنی: Patrolling.

فصلنامه نقدکتاب

وگای
وگای

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۱۷۵

راهنمای میدانی خزندگان و دوزیستان ایران

کتاب راهنمای میدانی خزندگان و دوزیستان ایران نوشته کامران کمالی (متولد ۱۳۵۸)، دانش‌آموخته مهندسی منابع طبیعی و علوم محیط‌زیست با درجه کارشناسی ارشد است. او با کمک هوشنگ ضیایی، از پیشگامان معرفی جانوران ایران، به عرصه پژوهش‌های میدانی در زمینه خزندگان و دوزیستان گام نهاد و در این راه از همکاری امید مظفری بهره‌مند شد. کمالی در طرح نخستین اطلس خزندگان ایران نقش داشته، از سال ۱۳۸۱ در دوره‌های آموزش راهنمایان طبیعت‌گردی فعالیت کرده و مدیرعامل مؤسسه مطالعات خزندگان و دوزیستان ایران است. کمالی بخشی از دستاوردهای دو دهه از زندگی پژوهشی خود را با همراهی انتشارات ایران‌شناسی در کتابی تصویری برای علاقه‌مند به ایران و طبیعت شگفت‌انگیز آن عرضه کرده است. کتاب او شامل عکس‌هایی از همه خزندگان (۲۲۵ گونه) و دوزیستان (۲۲ گونه) شناسایی شده در ایران همراه با توصیف دقیق هر گونه است. بیشتر عکس‌ها را ایشان و بخش دیگری از عکس‌ها را امید مظفری و چند طبیعت‌دوست دیگر فراهم کرده‌اند.

این کتاب یک مقدمه ذیل عنوان کلیات و دو بخش خزندگان و دوزیستان دارد. بخش خزندگان به معرفی زیرراسته‌های مارمولک‌ها، مارها و کرم‌سوسمارها و راسته‌های لاک‌پشت‌ها و کروکودیل‌ها می‌پردازد. بخش دوزیستان به معرفی راسته دوزیستان دم‌دار و دوزیستان بی‌دم اختصاص دارد. نویسنده در بخش کلیات نخست به معرفی دوزیستان و سپس خزندگان پرداخته است، شاید به این دلیل که دوزیستان

از نظر تکامل بین ماهی‌ها و خزندگان جای می‌گیرند. سپس چگونگی رده‌بندی دوزیستان و خزندگان، زادآوری و تغذیه و حرکت و رفتارهای آن‌ها به صورت مخلوط با هم بیان شده است. آن‌گاه به روش‌های مطالعه دوزیستان و خزندگان و به اهمیت این جانوران از نظر زیست‌محیطی و پزشکی و جایگاه آن‌ها در فرهنگ و تمدن‌های گوناگون اشاره شده است. مقدمه کتاب با مطالبی درباره خطرهایی که جمعیت دوزیستان و خزندگان را تهدید می‌کند به پایان می‌رسد. در مجموع، کمالی مقدمه‌ای جامع و مختصر برای کتاب خود نوشته است.

برای آشنایی خوانندگان با نگارش آقای کمالی بخشی از مقدمه کتاب در این جا آورده می‌شود:

بسیاری از مردم به علت نداشتن اطلاعات کافی و درست از دوزیستان و خزندگان، اقدام به کشتن آن‌ها می‌کنند. مردم معتقدند که دم مارمولک‌ها سمی است یا سیانور را از هوا جذب می‌کند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که افتادن مارمولک به درون غذا باعث مرگ انسان می‌شود، در حالی که تقریباً تمام سوسمارها و بیشتر مارها غیرسمی و بی‌خطر هستند. در بسیاری از اقوام شکار دوزیستان و خزندگان به منظور تغذیه یا استفاده از اندام‌های آن‌ها مرسوم است. اگر این بهره‌برداری‌ها گسترده شود و بیشتر از حد تحمل طبیعی باشد، باعث کاهش جمعیت آن‌ها می‌شود. از آن جمله می‌توان به لاک‌پشت‌های دریایی و به‌ویژه لاک‌پشت پوزه عقابی اشاره کرد.

همچنان که می‌بینید، جمله ساده و روان است فقط نویسنده گاه دچار کلی‌گویی شده است. منظور او از بسیاری از اقوام چیست؟ آیا اقوام ایرانی را می‌گوید؟ کدام اقوام ایرانی قورباغه یا سوسمار می‌خورند؟! آیا منظورش اقوام خارج از ایران است؟ کدام قوم‌ها؟ بهتر بود نویسنده این بخش را روشن‌تر و دقیق‌تر می‌نوشت.

دسته‌بندی مطالب در بخش‌های اصلی کتاب بر پایه رده‌بندی جانوران انجام شده است. رده خزندگان دارای چهار راسته است که سه راسته در ایران یافت می‌شود: اسکواماتاها، لاک‌پشت‌ها و کروکودیل‌ها. اسکواماتاها (پولک‌پوشان) که دومین راسته مهره‌داران از نظر تعداد گونه است، شامل سه زیرراسته مارها، سوسمارها و کرم‌سوسمارها است که گونه‌های بسیاری از سه زیر راسته در ایران یافت می‌شود. زیرراسته سوسمارها (مارمولک‌ها) در ایران دارای ۱۰ خانواده بوده که یکی از آن‌ها خانواده آگاماها است. تا کنون ۱۸ گونه از این خانواده در ایران شناسایی شده است. پس از مطالعه هفت صفحه از کتاب که خلاصه آن در چند جمله در این جا بازگو شد، به معرفی نخستین گونه با نام سوسمار باغی هندی (Calotes versicolor) می‌رسیم. این معرفی در چارچوب چند بخش کوچک همراه با متنی کوتاه و نمادها و نقشه و عکس انجام شده است. برای معرفی این بخش‌ها، متن معرفی یکی از گونه‌های انحصاری ایران در ادامه می‌آید.

فصلنامه نقدکتاب

علوم مردم
و کاربرد

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۱۷۶

افعی شاخ‌دار عنکبوتی Spider-tailed Horned Viper

پراکنش جهانی: ایران
پراکنش در ایران: ایلام، خوزستان، کرمانشاه

افعی شاخ‌دار دُم‌عنکبوتی در تپه‌ها و نواحی مرتفع با بستر آهکی زندگی می‌کند. در ساعت‌های گرم تابستان، شکاف‌های عمیق صخره‌های گچی را به علت خنک و مرطوب‌بودن ترجیح می‌دهد. معمولاً بوته‌هایی در کنار لانه این افعی دیده می‌شود که از آن‌ها در وقت‌های خنک روز، مانند عصرها و صبح زود، به عنوان کمین‌گاه یا محل استراحت استفاده می‌کند. در زمان احساس خطر، صدای «هیس‌هیس» از خود تولید می‌کند. سپس سر و گردن خود را از زمین بلند و بدون هیچ‌گونه هشدار به سمت دشمن حمله می‌کند. کل زمان عمل حمله در این مار بسیار سریع است و حتی کمتر از یک ثانیه طول می‌کشد. این مار انتهای دُم خود را طوری حرکت می‌دهد که شبیه حرکت یک عنکبوت است و از این طریق باعث جلب توجه طعمه‌های خود می‌شود.

اندازه: طول کل ۵۳ و دم ۶ سانتی‌متر است.

کلید شناسایی: دارای زوایید رشته‌ای و یک جسم تخم‌مرغی شکل در انتهای دم است.

زادآوری: نامشخص

وضعیت: این مار در ایران کمیاب است.

وضعیت حفاظتی: ملی غیرحمایت‌شده عادی

تغذیه: پستانداران کوچک، خرنده‌گان و پرندگان کوچک

زمان فعالیت: روز

همچنان که می‌بینید، متن معرفی گونه با جمله‌هایی ساده و کوتاه نوشته شده است، اما کاستی‌هایی در آن دیده می‌شود. برای مثال، بخش نخست این جمله «کل زمان عمل حمله در این مار بسیار سریع است و حتی کمتر از یک ثانیه طول می‌کشد»، زاید و نامناسب است و می‌توان آن را چنین نوشت: کل زمان حمله این مار کمتر از یک ثانیه طول می‌کشد. این جمله که «این مار انتهای دُم خود را طوری حرکت می‌دهد که شبیه

حرکت یک عنکبوت است و از این طریق باعث جلب توجه طعمه‌های خود می‌شود»، نارسا به نظر می‌رسد. چنان‌که در عکس‌های صفحه ۲۷۱ کتاب دیده می‌شود، نوک دم این افعی دارای رشته‌ها و بخشی تخم‌مرغی شکل است که از فاصله دور ممکن است شبیه عنکبوت به نظر برسند. گمان می‌رود که این مار با تکان دادن دم خود، توجه جانوران دیگر را به «عنکبوت دروغین» نوک شاخه‌مانند خود جلب می‌کند تا با حمله‌ای ناگهانی آن‌ها را شکار نماید. این جمله «وضعیت: این مار در ایران کمیاب است». را می‌توانستند مانند بخش‌های دیگر خلاصه بنویسند: وضعیت: کمیاب.

کتاب خزندگان و دوزیستان ایران دومین کتاب از مجموعه راهنمای میدانی انتشارات ایران‌شناسی است. این کتاب نسبت به کتاب قبلی همین ناشر، دقیق‌تر و پربارتر است و می‌تواند مایه افتخار ما ایرانیان باشد که چنین کتابی را در کشورمان تولید کرده‌ایم. پس باید پرسید که چرا مورد توجه داوران کتاب سال قرار نگرفته است! کتابی که به گفته استیون سی. اندرسون، پیشگام خزنه‌شناسی در ایران، «نخستین راهنمای فراگیر این جانوران در زبان فارسی است» و «خدمتی بزرگ به دانشجویان، کارمندان پارک‌های ملی، مناطق حفاظت شده و بازدیدکنندگان است». چرا از دید کارشناسان، کتاب‌دوستان، روزنامه‌نگاران و رسانه‌های کاغذی، دیجیتالی و تصویری پنهان مانده و در معرفی آن کوتاهی شده است؟ چرا صدا و سیما نباید برای معرفی پدیده‌های خوب در زمینه کتاب برنامه بسازد؟ چرا روزنامه‌نگاران برای چنین آثاری جریان خبری نمی‌سازند؟

استیون سی. اندرسون که سال‌ها در بیابان‌های ایران به جست‌وجوی خزندگان پرداخته و خود کتابی درباره سوسمارهای ایران به زبان انگلیسی نوشته به‌خوبی از فقر منابع در این زمینه آگاه است. او مانند بسیاری از آگاهان به محیط‌زیست هشدار می‌دهد که: «بسیاری از گونه‌های تمامی طبقه‌های زیستی به‌واسطه تخریب زیستگاه، رشد جمعیت، تغییر اقلیم و... مورد تهدید قرار می‌گیرند». و مهم‌ترین گام همانا افزایش دانش مردم است، زیرا که «دانش، درک و نگرانی را با خود می‌آورد» و این کتاب گامی بزرگ در این راستاست و به گفته اندرسون «این کتاب شالوده کارهای آینده درباره این جانوران را خواهد ریخت». پس بر همه علاقه‌مندان به رشد تولید کتاب‌های علمی و دقیق در ایران واجب است که به هر صورت از چنین آثاری پشتیبانی کنند. بهترین پشتیبانی، معرفی کتاب در رسانه‌های گوناگون و به شیوه‌های گوناگون است.

راهنمای طبیعت‌گردی با گیاهان ایران

کتاب طبیعت‌گردی با گیاهان ایران نوشته مجید اسکندی (متولد ۱۳۵۱) دانش‌آموخته رشته محیط‌زیست و منابع طبیعی در گرایش تنوع زیستی با درجه کارشناسی ارشد است. اسکندری از سال ۱۳۷۵ در زمینه گردآوری و شناسایی نمونه‌های گیاهی فعالیت داشته و چند گونه ناشناخته را معرفی کرده است. گردآوردن بیش از ۴۰۰۰

نمونه گیاهی در هرباریوم وزارت جهاد کشاورزی با شناسه بین‌المللی از شور و شوق او به کاوش در طبیعت ایران و شناساندن تنوع زیستی ایران به ایرانیان و جهانیان حکایت دارد. اسکندری بخشی از دستاوردهای دو دهه از زندگی پژوهشی خود را با همراهی انتشارات ایران‌شناسی در کتابی تصویری برای علاقه‌مندان به ایران و طبیعت شگفت‌انگیز آن عرضه کرده است. کتاب او شامل عکس‌های شمار چشمگیری از گونه‌های بومی و شمار اندکی از گونه‌های وارداتی همراه با توصیف کوتاهی از هر گونه است. بیشتر این عکس‌ها را ایشان در سفرهایش به جای‌جای ایران فراهم کرده و اغلب محل عکاسی و زمان عکاسی را مشخص کرده است.

این کتاب یک مقدمه ذیل عنوان کلیات، چند بخش به عنوان متن اصلی و ۱۶ پیوست دارد. در بخش کلیات برخی از اصطلاح‌ها و نمادهایی که برای توصیف گیاهان یا زیستگاه آن‌ها به کار می‌رود، معرفی شده است. برای مثال، منظور از علف هرز چیست، گونه شاخص یا گونه انحصاری به چه گونه‌ای گفته می‌شود و گیاه آهک‌دوست یا نیمه انگل به چه گیاهانی گفته می‌شود. سپس چهار منطقه رویشی ایران معرفی شده است: منطقه رویشی هیرکانی (استان‌های گیلان، مازندران و گلستان)، منطقه رویشی خلیجی عمانی (نوار ساحلی خلیج فارس و دریای عمان و جنوب استان خوزستان)، منطقه رویشی زاگرسی (از سردشت آذربایجان غربی تا فیروزآباد فارس) و منطقه ایرانی-تورانی (فلات مرکزی و شرق ایران). این مقدمه با توضیحی درباره ضرورت کاربرد نام علمی گیاهان به پایان می‌رسد.

بهرتر بود نویسنده اطلاعاتی درباره خود گیاه و به‌ویژه رده‌بندی گیاهان در مقدمه می‌آورد. این‌که گروه‌های اصلی گیاهان کدام‌اند (گیاهان گلدار، مخروطیان، نهان‌زادان آوندی و خزگیان) و این‌که گیاه‌شناسان چگونه از ویژگی‌های رویشی و زایشی و شکل برگ، گل، میوه و دانه برای شناسایی گیاهان بهره می‌گیرند. اما اسکندری ترجیح داده است که این اطلاعات را در بخش‌های پیوستی کتاب بیاورد. ضمیمه ۴ به ریخت‌شناسی گیاه، ضمیمه ۵ به بخش‌های گل، ضمیمه ۶ به پهنک برگ‌ها، ضمیمه ۷ به گل‌آذین‌ها، ضمیمه ۸ به جام گل‌های منظم، ضمیمه ۹ به شیوه‌های مختلف رویش، ضمیمه ۱۰ به آرایش برگ‌ها، ضمیمه ۱۱ به معرفی انواع میوه و ضمیمه ۱۲ به رده‌بندی گیاهان اختصاص دارد. اگر کتاب طبیعت‌گردی با گیاهان ایران را راهنمای میدانی بدانیم، بخشی از این اطلاعات باید در مقدمه می‌آمد و در متن کتاب نیز به آن‌ها اشاره می‌شد تا کاربران راهنمای میدانی بتوانند برخی از گیاهان را به کمک عکس‌ها و چنین اطلاعاتی شناسایی کنند.

بخش اصلی کتاب طبیعت‌گردی با گیاهان ایران شامل ۹ فصل است. هفت فصل کتاب بر پایه رنگ گل‌های گیاهان تقسیم‌بندی شده است، یعنی گیاهانی که گل‌های آبی دارند، از هر خانواده‌ای که باشند، در یک فصل و گیاهانی که گل‌های سفید دارند، در فصلی دیگر جای گرفته‌اند. دو فصل دیگر کتاب، یکی به درختان و یکی

به سرخس‌ها و وابستگان آن‌ها اختصاص یافته است. خزه‌گیان (ساده‌ترین گیاهان)، گل‌سنگ‌ها و قارچ‌ها در سه ضمیمه جداگانه معرفی شده‌اند. برای آشنایی با قلم اسکندری چند معرفی او از برخی گیاهان شگفت‌انگیز ایران در این‌جا آورده می‌شود.

نمونه ۱

عروس سنگ

Dionysia curviflora (Primulaceae)

گیاه بالشتکی به طول تا ۶۰ سانتی‌متر از ارتفاعات مرکزی کشور گزارش شده است. عکس: استان یزد، شهرستان تفت، کوهستان شیرکوه (اردیبهشت‌ماه).

نمونه ۲

همیشگی، فندقک

Sempervivum iranicum (Crassulaceae)

گیاهی علفی با برگ‌های قاشقی گوشتی به ارتفاع تا ۳۰ سانتی‌متر که در کوه‌های البرز مرکزی می‌روید. عکس‌ها: استان مازندران، جاده چالوس، مرزن‌آباد، روستای دلیر (تیرماه).

نمونه ۳

لاله کوهی زرد

Tulipa montana (Liliaceae)

گیاهی با گل‌های قرمز و زرد به ارتفاع تا ۴۰ سانتی‌متر که در کوه‌های البرز مرکزی و شرقی و الوند می‌روید. عکس: استان تهران، منطقه سنگان، امامزاده داوود (اردیبهشت‌ماه).

با توجه به این که این گونه‌ها فقط در ایران شناسایی شده و انحصاری هستند، بهتر بود ویژگی‌های گیاه‌شناسی آن دقیق‌تر توضیح داده می‌شد. در بسیاری از صفحه کتاب جای سفید برای نوشتن توضیح بیشتر وجود دارد. اکنون جلوه‌گری تصویرهای کتاب است که نگاه خواننده را به سوی خود می‌کشاند. بیش از ۶۵٪ عکس از گیاهان گل‌دار در متن اصلی کتاب و ۳۴٪ قطعه عکس از سرخس‌ها و گیاهان نزدیک به آن‌ها، ۱۱٪ عکس از خزه‌گیان، ۱۱٪ عکس از گل‌سنگ‌ها و ۱۱٪ عکس از قارچ‌های ایران در پیوست‌های کتاب آمده است. بهتر بود برای توصیف گیاهان وقت بیشتری گذاشته می‌شد تا متن و تصویر به کمک هم راه را برای شناسایی گیاه هموار می‌کردند. آنچه را که تصویر نشان نمی‌دهد، متن می‌تواند جبران کند و جایی که متن از توصیف باز می‌ماند، تصویر توانایی جبران کاستی آن را دارد.

یادداشتی بر یادداشت مؤلف

چنان‌که گفته شد کتاب راهنمای میدانی گیاهان ایران مانند دو راهنمای میدانی دیگر، بر پایه رده‌بندی بخش‌بندی نشده است. نمی‌دانیم آیا این شیوه به خوانندگان غیرمتخصص در شناسایی گیاهان کمک می‌کند یا نه. آیا نویسندگان تجربه‌ای در این باره داشته است یا فقط برای صفحه‌آرایی رنگارنگ کتاب این شیوه را در پیش گرفته است. این‌ها چیزهایی است که نویسنده باید در پیش‌گفتار کتاب به آن‌ها اشاره می‌کرد. اما مجید اسکندری در پیش‌گفتار کتاب ترجیح داده به جای معرفی ویژگی‌های کتاب خود و رویکردی که در دسته‌بندی اطلاعات آن در پیش گرفته است، خوانندگان خود را نصیحت کند که بیشتر به طبیعت احترام بگذارند. بخش‌هایی از یادداشت مؤلف را بخوانیم:

بباید به بوته خاری که پیش پایمان قرار گرفته لگد زنیم، لحظه‌ای تأمل کنیم و به چهره‌اش دقت کنیم، شاید پیامی دارد، پندی دارد. همین سنگ‌ها، همین گلسنگ‌ها، همین گل‌ها، همین برگ‌ها، همه و همه حرف دارند... حال که به جهت تفریح و تفرج یا تحقیق به دامن طبیعت آمده‌ایم و میهمان عروس طبیعت هستیم، باعث شرمساری است اگر میزبانمان را ارج ننهیم و بی‌تفاوت از کنار دست‌های تعارفی که با شوق و بدون چشم‌داشت، دراز کرده است، بگذریم. آشنایی با گل‌ها و گیاهان و تحسین زیبایی و آرایشی که به خرج داده‌اند از جمله ملزومات یک میهمان فهیم طبیعت است.

این دل‌نوشته زیبا شاید برای دفترچه خاطرات، وبلاگ شخصی، نامه‌ای به دوستان، یادداشتی در روزنامه یا گفت‌وگو در هم‌نشینی‌ها مناسب باشند، اما جای آن‌ها در پیش‌گفتار کتاب راهنمای میدانی یا هر کتاب علمی دیگر نیست. گمان نکنیم اگر در کتاب‌ها جایی به عنوان یادداشت مؤلف در نظر گرفته می‌شود، نویسنده می‌تواند هرچه دلش خواست در آن جا بنویسد. نویسنده باید در پیش‌گفتار کتاب به این مطالب بپردازد:

- ۱- کتاب به چه موضوع‌ها و مطالبی پرداخته است؟ (مروری کوتاه بر کتاب)
 - ۲- کتاب با چه هدف‌هایی نوشته شده و برای چه مخاطبانی مناسب‌تر است؟
 - ۳- کتاب با چه روندی پدید آمده و چه دشواری‌هایی بر سر راه تولید آن بوده است؟
 - ۴- اگر کتاب ساختار خاصی دارد، بهتر است خوانندگان چگونه آن را بخوانند؟
 - ۵- چه کسانی در پیدایش این کتاب به او کمک کرده‌اند و چه کمکی کرده‌اند؟
- پاسخ برخی از این پرسش‌ها را در پیش‌گفتار کتاب اسکندری می‌یابیم، اما برخی پرسش‌هایمان بی‌پاسخ می‌ماند یا پاسخ کاملی ندارد. پیش‌گفتار کتاب فرصتی برای نویسنده است که کتاب خود را برای خوانندگان معرفی کند و آن‌ها را برای خواندن کتاب آماده کند. پیش‌گفتار خوب می‌تواند توجه مراجعان به کتاب‌فروشی را برای

خرید کتاب و خواندن آن جلب کند. فروشندگان کتاب می‌توانند پس از خواندن پیش‌گفتار نویسنده، مراجعان به کتاب‌فروشی‌ها را بهتر با کتاب آشنا کنند. پس باید برای نوشتن پیش‌گفتاری که می‌تواند کارکردهای بسیاری داشته باشد، بیش از پیش وقت بگذاریم. البته پیش‌گفتار نباید خیلی طولانی باشد. خواندن نمونه‌های خوب خارجی می‌تواند راهنمای ما در نوشتن پیش‌گفتار باشد.

اسکندری در یادداشت کتاب خود اذعان کرده که منابع گیاه‌شناسی ایران به‌وفور توسط استادان و پژوهشگران این رشته به صورت کتاب‌های تخصصی و مقالات علمی منتشر شده و در اغلب کتابخانه‌های کشور موجود است. پس باید پرسید چرا کتاب او بخش کتاب‌نامه ندارد! بی‌گمان اسکندری گیاه‌شناس میدانی باتجربه است، اما بخشی از دانش گیاه‌شناسی او برگرفته از آثاری است که فراموش کرده از آن‌ها یاد کند. او باید به رسم سپاس‌گذاری برخی از این آثار را در کتاب‌نامه معرفی می‌کرد و با این کار به کتاب خود اعتبار بیشتری می‌بخشید. اگر یکی از خوانندگان علاقه‌مند خواست تا درباره گیاهان ایران اطلاعات بیشتری به دست آورد، کتاب‌نامه کتاب اسکندری می‌توانست به او کمک کند.

فصلنامه نقدکتاب

علوم
و کاربردی

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۱۸۲

گام‌هایی ستودنی

انتشارات ایران‌شناسی با انتشار راهنمای میدانی جانوران و گیاهان ایران، گام‌هایی بزرگ و ارزشمند در راستای افزایش آگاهی ایرانیان از طبیعت شگفت‌انگیز این سرزمین برداشته است. در کشوری که کار تولید کتاب تک‌رنگ و بدون تصویر با دشواری‌های بسیاری همراه است، تولید کتاب چهاررنگ با این همه تصویر فقط از دست کسانی برمی‌آید که به‌راستی ایران را دوست دارند. کاری که گاه سازمان‌های عریض و طویل کشورمان از پس آن برنمی‌آیند، با عشق جوانان ایران به سرزمین نیاکانی به سرانجامی نیکو می‌رسد و مایه افتخار می‌شود. هدف از نوشتن این مقاله فقط معرفی سه راهنمای میدانی ایران‌شناسی بود و اگر برخی کاستی‌های آن برشمرده شد، فقط پاسخی بود به درخواست خود ناشر که گفته است: «این مجموعه کامل نخواهد شد، مگر با انتقادات و پیشنهادهای شما گرامیان». این‌ها تجربه‌های آغازین ما در کار تولید کتاب بومی است و از کاستی‌های اندک آن‌ها می‌توان چشم‌پوشی کرد. در حالی که کتاب‌های ترجمه‌ای با کاستی‌ها و نادرستی‌ها بسیار منتشر می‌شوند، تولید چنین کتاب‌های تألیفی-پژوهشی با کمترین غلط‌های علمی، زبانی و چاپی، بیشتر به یک معجزه می‌ماند و اگر شگفت‌زده شویم، چیز شگفتی نیست که به‌راستی جای شگفتی است.